

تأثیر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی با بررسی موقعیت ایران

مسعود غفاری*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

محمد لعل علیزاده

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۲/۱۴)

چکیده:

فرایند جهانی شدن در حوزه‌های فنی و تکنولوژیک، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل مطالعه است. هدف مقاله حاضر بررسی تأثیرات تحولات ناشی از ظهور و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی ارتباطاتی (بخشی از حوزه فنی و تکنولوژیک) بر مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی است. به این منظور این سوال طرح شد که «ظهور و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی چه تأثیری بر مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی وارد کرده است؟» به عبارت دیگر با ظهور و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی چه تغییری در قدرت و جایگاه دولت-ملت‌ها، ماهیت حکومت‌ها و مفاهیم امنیت و قدرت صورت گرفته است؟ با بررسی رویکردهای نظری مختلف، فرضیه پژوهش صورتبندی شد، تغییر نقش دولت و تضعیف آن، گسترش و تقویت دموکراسی و نرم‌افزاری شدن مفهوم امنیت و قدرت تحت تأثیر تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی به تاسی از فرضیه پژوهش نشان داده شد.

واژگان کلیدی:

جهانی شدن، تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی، ایران

Email: ghaffari@modares.ac.ir

* مسئول مقاله: فاکس: ۸۸۲۲۰۲۱۷

از این نویسنده تاکنون مقاله ذیل در همین مجله منتشر شده است:
گذار از رفرمیسم به رادیکالیسم (دهه ۴۰ شمسی)، ش ۳، دوره ۴۰.

۱. جهانی شدن؛ تعریف و نظریه‌ها

جهانی شدن در طول تاریخ در قالب مذاهب و ایدئولوژی‌های گوناگون مطرح بوده است ولی ریشه جهانی شدن (Globalization) به مفهوم جدید را باید در ظهور سرمایه‌داری و به دنبال آن حدوث تحولات تکنولوژیک، ارتباطی و اقتصادی جستجو کرد. مفهوم جهانی شدن از دهه ۱۹۶۰ وارد فرهنگ لغات شد (Holton, 1998:24-33؛ ابو، ۱۳۸۵: ۷۰-۶۹) و از پایان جنگ سرد کاربردی وسیع و متنوع یافت. این پدیده به اندازه‌ای پیچیده است که تحلیل و تبیین آن بسیار دشوار است. پیچیدگی و غامض بودن این پدیده دیدگاه‌ها و رویکردهایی متفاوت و با توجهات خاص خود را به همراه داشته است:

۱. لیبرال‌ها پدیده جهانی شدن را وسیله‌ای برای رهایی از قید و بند سنت‌گرایی و کمونیسم و همچنین وسیله‌ای برای استقرار صلح و آزادی همگانی تلقی می‌کنند. این نگرش به پدیده‌ی جهانی شدن از دو دیدگاه متضاد می‌نگرد: دیدگاه بدبینانه، جهانی شدن را سرآغاز مرحله‌ای جدید از روابط بین‌الملل تلقی می‌کنند که توأم با رقابت‌های احتمالی بین فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست. دیدگاه دیگر، جهانی شدن را به مثابه پیروزی همه‌جانبه غرب بر ملت‌ها و کشورهای غیرغربی ارزیابی می‌کنند و صدور لیبرالیسم به سایر کشورها را به منظور برقراری صلح جهانی توصیه می‌کند (Held et al., 1999:7-19؛ نک به: دهشیری، ۱۳۷۹: ۸۲ و ۷۴).

لیبرال‌ها دولت را پدیده‌ای ابدی در نظر نمی‌گیرند و به نظر آنها دولت تنها بازیگر عرصه جهانی نیست بلکه بازیگران فراملی قدرتمند دیگر نیز نقشی تاثیرگذار در روابط بین‌الملل دارند.

۲. محافظه‌کاران و واقع‌گرایان بر خلاف لیبرال‌ها، سیاست بین‌المللی را صحنه‌ای برای چالش دولت در بدست آوردن قدرت و عرصه تامین منافع ملی تلقی می‌کنند. به باور این گروه در نظام بین‌الملل هیچ قدرتی فراتر از دولت نیست. نگرش محافظه‌کاران و واقع‌گرایان، جهانی شدن را چیزی جز همان آمریکایی شدن نمی‌دانند؛ اقتصادهای مسلط غربی ممکن است با این پروژه همه را ببلعند و برای همیشه به افسانه حاکمیت ملی خاتمه دهند (Gilpin, 2000:25-48).

۳. نظریه نظام جهانی: این نظریه ریشه در تفکر مارکسیستی دارد. در این نگرش به جهانی شدن از زاویه اقتصادی نگریسته می‌شود. نظریه نظام جهانی ضمن پذیرش وقوع دگرگونی‌های عمیق در عرصه اطلاعات و ارتباطات، براین امر تأکید دارد که این تحولات ادامه روندهایی است که با توسعه نظام سرمایه‌داری همراه است (نک به: گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۰-۹۴؛ خور، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۵۲).

۴. رفتارگرایان: طرفداران این مکتب (نظیر مک گرو و رابرتسون) معتقدند جهانی شدن ناظر بر حرکت در مسیر گسترش هر چه بیشتر ارتباطات انسانی در عرصه جهانی است (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۰-۲۴؛ نک به: سلیمی، ۱۳۸۰: ۸۵-۸۲).

۵. فرا رفتار گرایان: از دیدگاه طرفداران این مکتب، تحولات جدید، نشان از پایان مدرنیته و ورود به عصری دیگر دارد که از آن می‌توان به عصر جهانی یاد کرد. در عصر جهانی تمامی مفاهیم و ادبیات مدرنیته باید بازسازی شوند (نک به: ازغندی، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۴).

با توجه به نظریات یاد شده، از دیدگاه جامعه‌شناسانه جهانی شدن پدیده‌ای چند سببی، چند بعدی و دیالکتیک است که به حوزه‌های فنی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قابل تقسیم و مطالعه است. در حوزه فنی و تکنولوژیک از وقوع انقلاب صنعتی سوم سخن می‌رود؛ انقلاب اول تحول در تکنولوژی تولید بود؛ انقلاب صنعتی دوم تحول در تکنولوژی ارتباط و توزیع ایجاد کرد و؛ انقلاب صنعتی سوم در ربع آخر قرن بیستم حول تکنولوژی‌هایی ارتباطی و اطلاعاتی و با نام انقلاب تکنولوژی اطلاعاتی یا انقلاب اطلاعات رخ داده است (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۶۲) که زادگاه آن ایالات متحده آمریکا است. در ادامه پژوهش حاضر این حوزه از جهانی شدن بررسی می‌شود.

۲. حوزه فنی و تکنولوژیک جهانی شدن و چارچوب نظری پژوهش

مهم‌ترین تحول در حوزه فنی و تکنولوژیک جهانی شدن با انقلاب صنعتی سوم در ربع آخر قرن بیستم حول تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی رخ داد. در تعریف تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی اختلاف نظر چندان به چشم نمی‌خورد و غالباً تعاریفی مشابه از آن ارائه می‌دهند. کاستلز می‌نویسد: «من نیز با این برداشت «هاروی بروکس» و «دانیل بل» موافقم که: تکنولوژی، استفاده از دانش علمی است برای تعیین روش‌های انجام امور به شیوه‌ای تکرار شونده. من نیز مانند هرکس دیگر، مجموعه همگرای تکنولوژی‌ها در میکروالکترونیک، کاربرد کامپیوتر (سخت افزار و نرم افزار)، مخابرات، رادیو تلویزیون و الکترونیک نوری را در زمره تکنولوژی‌های اطلاعاتی به شمار می‌آورم. افزون بر این، من برخلاف برخی از صاحب‌نظران، مهندسی ژنتیک و مجموعه در حال گسترش پیشرفت‌ها و کاربردهای آن را نیز متعلق به قلمرو تکنولوژی‌های اطلاعات می‌دانم» (کاستلز، ۱۳۸۰: الف: ۵۹).

در تشریح تعریف فوق می‌توان گفت تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید از دو بخش تکنولوژی‌های ارتباطی (چه قدیمی و چه جدید مثل تلفن، فاکس، تکنولوژی‌های پخش، ماهواره‌ها، تلویزیون کابلی، کابل‌های نوری پهن باند و غیره) و تکنولوژی اطلاعاتی (کامپیوترها، نرم افزارها و ...) تشکیل شده‌اند. تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی مهم‌ترین نیرو و

ابزار پیش‌برنده روند جهانی شدن و دگرگونی‌های در حال وقوع در فضای فعالیت‌های انسانی-اجتماعی هستند. این تکنولوژی‌ها به عنوان زیر ساخت اصلی جهانی شدن و از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده جهانی شدن کنونی هستند. به همین جهت برخی ویژگی‌های اصلی عصر جهانی شدن را در مفاهیمی چون ظهور دهکده الکترونیک جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشرده‌گی زمان و جهان، گسترش جهان-آگاهی، عصر سبیرنتیک و پایان جغرافیا خلاصه کرده‌اند (بشیری، پیشین: ۱۶۴-۱۶۳).

بنابراین، مهم‌ترین شاخصه جهانی شدن را می‌توان انقلاب در تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی تلقی کرد؛ جهانی شدن به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحول در جهان امروز هر چند ریشه در گذشته و رشد تدریجی تکنولوژی‌ها و فن آوری‌های ارتباطی دارد، اما نکته اوج و نمود بارز آن را تنها در چند دهه اخیر همراه با انقلاب در تکنولوژی‌های ارتباطی و پیدایش وسایل ارتباطی پیشرفته می‌توان مشاهده کرد. برای بسیاری واژه جهانی شدن مساله فناوری و انقلاب ارتباطات را تداعی می‌کند؛ یعنی مسائلی از قبیل پیشرفت در تولید انواع رایانه و نرم افزارها، عمومیت یافتن و ارزان شدن آنها و توسعه ارتباطات جمعی به مرحله‌ای رسیده که می‌توان نتیجه گرفت که در فرآیند جهانی شدن قرار گرفته‌ایم. براساس این تاثیر متقابل جهانی شدن و تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، در ادامه برای طرح چارچوب نظری ابتدا به سه دیدگاه متفاوت در خصوص رابطه‌ی جهانی شدن و حاکمیت ملی و جایگاه دولت-ملت اشاره خواهیم کرد سپس به تاسی از این سه نظریه به رابطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با حاکمیت ملی اشاره می‌شود:

۱. زورن، اهمیت و واترز معتقدند: با جهانی شدن عمر حاکمیت‌های ملی پایان یافته است. واترز بر نقش تکنولوژی تاکید می‌ورزد و معتقد است قرن ۲۱ قرن تفکر جهانی و نه ملی است. به نظر وی اگرچه در ظاهر دولت اقتدار دارد اما با ظهور نیروهای فراملی و فروملی روز به روز از اهمیت و نقش آن کاسته خواهد شد (Holsti, 2002: 8؛ Waters, 2002-chap. 5؛ نک به: بهاء‌الدین، ۱۳۸۳: ۶۲).

۲. کارت، واد، هی رست و تامپسون معتقدند: آرمان‌های عالی جهانی بدون همراهی حاکمیت‌های ملی ممکن نبوده و دولت - ملت‌ها در عصر جهانی شدن نقشی موثر و فعال دارند (Holton, op.cit: 177-190).

۳. گلوب، کیوهان و هاس با طرح ایده منطقه گرایی دو دیدگاه فوق را با هم ترکیب می‌کنند و معتقدند جهانی شدن بعید است بتواند به سادگی جایگزین الگوی حاکمیت ملی شود (Goodwin, 1999: 142؛ نک به: افتخاری، ۱۳۷۹: ۳۷).

سه دیدگاه فوق هرچند بیشتر به موضوع جهانی شدن ارتباط دارند اما هم نظریه پردازان آن به تأثیر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر حاکمیت ملی تأکید دارند و هم با توجه به مفروض این پژوهش، تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی ابزار جهانی شدن محسوب می‌شوند. بنابراین، در این راستا سه دیدگاه درباره رابطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با حاکمیت ملی (و مولفه‌های آن) را طرح می‌کنیم:

۱. با تحولات ناشی از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، انحصار دولت‌ها بر انباشت و مدیریت اطلاعات شکسته می‌شود؛ قدرت میان افراد و گروه‌های مختلف پراکنده شده و با انتقال قدرت از دولت - ملت‌ها به بازیگران و گروه‌های فراملی و فروملی، دولت - ملت‌ها در عرصه جهانی به حاشیه می‌روند.

۲. با تحولات ناشی از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی دولت - ملت‌ها هنوز نقش فعال و اصلی خود را دارند و نه تنها شاهد فرسایش حاکمیت ملی نیستیم بلکه گسترش و تداوم این تکنولوژی‌ها وابسته به پایداری قدرت دولت - ملت‌ها است.

۳. با تحولات ناشی از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، بازیگرانی جدید در قدرت با دولت شریک می‌شوند لیکن دولت کماکان به عنوان یکی از بازیگران اصلی (نه تنها بازیگر اصلی) به حیات خویش ادامه خواهد داد و کارویژه‌هایی جدید متناسب با تحولات برعهده می‌گیرد.

با عنایت به هماهنگی دیدگاه سوم با فرضیه این نوشتار به نظریه‌های چند نظریه پرداز مهم در تأیید این دیدگاه و فرضیه پژوهش اشاره می‌کنیم:

روزنا از دو گونه بازیگران در عرصه بین‌المللی سخن می‌گوید: اول بازیگران سنتی که همان دولت - ملت‌ها باشند و دوم بازیگران فراملی از قبیل سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی یا گروه‌های ذی نفوذ سیاسی (Rosenau, 1990:16؛ نک به: افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۳۰-۳۲۹).

بول و جکسون نیز معتقدند که دولت اهمیت گذشته خویش را حفظ خواهد کرد زیرا در غیر این صورت با جامعه‌ای آنارشستی مواجه خواهیم شد. آنها بر این باورند که حاکمیت دولت - ملت همچنان موضوع اصلی روابط بین‌الملل خواهد بود (Williams, 2002:1).

مک‌گرو در خصوص کارویژه دولت‌ها با توجه به تحولات ناشی از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی مدعی است: دولت‌ها کماکان به عنوان بازیگر تعیین کننده در عرصه بین‌المللی اهمیت خود را حفظ می‌کنند ولی محدودیت‌هایی را نیز خواهند پذیرفت. گیدنز نیز بر نقش مهم دولت - ملت با ظهور تحولات جدید باور دارد؛ البته این نقش مهم دولت - ملت به بازسازی و تغییرات کارکردهای آنها با نهادهای غیردولتی مشروط است (درویشی، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

در گزارش بانک جهانی نیز آمده است: دولت ملی در مفهوم مکانیکی‌اش... به نظر می‌رسد که هنوز هم بهترین واحد می‌باشد ولی امروزه پیداست که به دلیل برخورد با مسائل نظیر محیط زیست جهانی، اقتصاد جهانی، جابجایی‌های جهانی جمعیت، نابرابری‌های فزاینده ارتباطات و فرهنگ، لازم است این نهاد بوسیله بازیگران دیگر تکمیل شود (بانک جهانی، ۱۳۷۸: ۲۴).

۳. ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی و ارتباطی

جامعه اطلاعاتی جامعه‌ای است که وجه تمایز آن، اطلاعات فراوان از حیث ذخیره، جریان، توزیع، انتقال سریع و موثر اطلاعات و دسترسی آسان و ارزان به اطلاعات برای همه اعضای جامعه است. دانیل بل در ۱۹۷۳ ظهور جامعه‌ای را پیش‌بینی کرد که جامعه پسا صنعتی نامید. به نظر بل، جامعه اطلاعاتی جدید سه ویژگی اصلی دارد: «۱. در گیرودار دگرگونی از تولید کارا به جامعه خدمات است؛ ۲. بر کدگذاری دانش نظری برای ابداع و اختراع در فن آوری تاکید می‌ورزد؛ ۳. فن آوری فکری تازه ایجاد می‌کند که به منزله کلید تحلیل نظام‌ها و نظریه تصمیم‌گیری به کار می‌آید» (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۱۶-۱۱۵). برخی دیجیتالی شدن، اختراع فیبر نوری و پخش مستقیم ماهواره‌ای، یکسان سازی و نظارت و مراقبت را در موفقیت فن آوری نوین اطلاعات موثر می‌دانند و این موارد را از مهمترین ویژگی‌های این فن آوری ذکر می‌کنند (ویلکن، ۱۳۸۱: ۶۱-۵۹). روی هم رفته مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصیصه‌های تکنولوژی‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. تبدیل شدن اطلاعات به مرکز تصمیم‌گیری. کاستلز می‌نویسد: «وعده عصر اطلاعات، آزادسازی ظرفیت تولیدی بی‌سابقه بوسیله قدرت ذهن است؛ من می‌اندیشم، پس تولید می‌کنم» (کاستلز، ۱۳۸۰: پ ۴۴۳).
۲. کاستن از محدودیت زمانی و مکانی: تسخیر زمان، انتظار، مدت زمان، تاریخ و کارکردهای آن را به حاشیه راند؛ یک دگمه می‌تواند اطلاعات را از نقطه‌ای به نقطه دور دست جهان ارسال دارد.
۳. فراگیری تاثیرات فناوری‌های جدید؛ حضور در همه جا (نک به: کاستلز، ۱۳۸۰: الف: ۶۳-۶۰).
۴. سرعت: «در قلب این رشد انفجارآمیز قانون مور حکمفرماست به موجب این قانون نیروی رایانه هر ۱۸ ماه دو برابر می‌شود. ازدیاد سریع در این مقیاس هرگز در تاریخ فن آوری دیده یا شنیده نشده است» (کاکو، ۱۳۸۱: ۴۸).
۵. تمرکز زدایی: کثرت منابع و محتوای پیام‌ها موجب تمرکززدایی در زمینه تهیه و توزیع تکنولوژی اطلاعات می‌شود.

۶. تنوع بخشی و انبوه زدایی: ویژگی تمرکز و ماهیت چند بعدی اطلاعات باعث تنوع و به دنبال آن انبوه زدایی می‌گردد.
۷. انعطاف پذیری: این خصیصه ناشی از ماهیت نرم افزاری اطلاعات است (نک به: کاستلز، ۱۳۸۰ الف: ۹۵-۹۲).
۸. شفافیت و علنی بودن: زیر و روی یک پدیده را در معرض چشم و قضاوت همگان قرار می‌دهد (نک به: محسنی، پیشین: ۱۴۶-۱۴۵).

۴. سیر تحول مفهوم حاکمیت

در زمان‌های بسیار دور حاکمیت دولت به عنوان یک واقعیت عینی در قالب دولت - شهرهای یونان متجلی بود (وینست، ۱۳۷۱: ۲۹). مفهوم نظری حاکمیت در قرون وسطی در قالب تئوری الهی شکل گرفت. جنگ‌های ۳۰ ساله ۱۶۴۸-۱۶۱۸ و به دنبال آن پیمان وستفالی در ۱۹۴۸ موجب سستی در این اندیشه شد و در نتیجه حاکمیت از دین به دولت انتقال یافت. مفهوم سنتی حاکمیت با ویژگی‌های مطلق بودن، انفکاک ناپذیر بودن و غیر قابل تفویض بودن تا قرون ۱۷-۱۶ مطرح بود (همان: ۸۸). در قرن ۱۸ تحول عمده در زمینه مفهوم حاکمیت به وقوع پیوست. حاکمیت ملی در برابر حاکمیت فرد پادشاه مطرح شد و سپس تحت تاثیر ساختار نظام بین‌الملل قرن ۱۸، حاکمیت از حالت مطلق به نسبی نزول پیدا کرد. بنابراین حاکمیت مسیری طولانی و پرپیچ و خم را از حاکمیت الهی به فردی و سپس ملی طی کرده است. حاکمیت ملی نیز در قرن ۲۰ با چالش مواجه شد و با آغاز قرن ۲۰ مفهوم حاکمیت با دو رقیب بعدی مواجه شد:

الف. رقیب خارجی؛ سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی؛ نیروهای فراملی.

ب. رقیب داخلی؛ نیروهای فروملی. (مولائی، ۱۳۷۹: ۱۲۴).

ادامه تحول مفهوم حاکمیت در قرن ۲۰ با جهانی شدن و ابزار اساسی آن یعنی فناوری اطلاعات و ارتباطات رخ داد. جهانی شدن در حوزه فنی و تکنولوژیک حاکمیت ملی و هویت ملی را به چالش کشاند. جهانی شدن با ابزار تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و ویژگی‌های این ابزار (۸ ویژگی یادشده) حاکمیت ملی دولت‌ها را در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رسوخ پذیرتر ساخت. این مفهوم جدید از حاکمیت ملی را در گزارش ژانویه ۱۹۹۲ پطرس غالی دبیر کل سابق سازمان ملل به شورای امنیت مشاهده می‌شود: «احترام به حاکمیت‌های ملی برای هرگونه پیشرفت مشترک بین‌المللی امری حیاتی است اما زمان حاکمیت مطلق و انحصاری سپری شده است» (سیمبر، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۲).

۵. مولفه های سیاسی حاکمیت ملی

جهانی شدن فرایندی پیچیده است که بسیاری از بنیانها، مفاهیم و تعاریف مرسوم را مورد تردید قرار داده است. حاکمیت ملی نیز از مفاهیمی است که تحت تاثیر این فرایند پیچیده و ترکیبی قرار گرفته است. جهانی شدن حاکمیت ملی را در سه حوزه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مورد چالش قرار داده است. در این پژوهش، دولت-ملت، ماهیت حکومت و قدرت و امنیت به عنوان مهمترین مولفه های سیاسی حاکمیت ملی انتخاب شده اند.

مهم ترین وجه سیاسی حاکمیت ملی در عصر جهانی شدن دولت-ملت است. آیا جهانی شدن و تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطاتی از اقتدار و خودمختاری دولت ها می کاهد و باید از پایان عصر دولت - ملت سخن گفت؟ یا تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی در عصر جهانی شدن بازیگرانی جدید در قدرت دولت-ملت شریک می کنند ولی موجب زوال آنها نمی شوند؟ درباره مولفه های ماهیت حکومت، آیا تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی باعث ظهور و گسترش رژیم های اقتدارگرا خواهد شد یا باعث تقویت و گسترش دموکراسی؟ آیا مولفه سیاسی امنیت و قدرت در فضای سایبر و جامعه ی شبکه ای دچار تحول خواهد شد؟ مسیر و نوع این تحول چگونه خواهد بود؟

برای پاسخ دادن به سوالات فوق در ادامه، تاثیرات تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر سه مولفه سیاسی حاکمیت ملی بررسی می شود.

۶. تاثیر تحولات ناشی از تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر مولفه های سیاسی حاکمیت ملی (دولت-ملت، ماهیت حکومت و امنیت و قدرت)

با توجه به سه دیدگاه نظری این نوشتار، پس از بررسی تاثیرات جهانی شدن در حوزه تحولات تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر سه مولفه ی سیاسی حاکمیت ملی، اشاره خواهیم کرد که این تاثیر گذاری به کدام یک از این سه دیدگاه نزدیک تر است.

الف. تاثیرات تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر دولت-ملت ها

در بخش چارچوب نظری به سه دیدگاه ارتباط با تاثیر جهانی شدن و فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی اشاره شد؛ در اینجا به تاسی از دیدگاه سوم و در راستای محک و ارزیابی فرضیه این پژوهش به تاثیر تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر دولت-ملت ها اشاره می شود.

پس از شکل گیری نظم وستفالی در قرن ۱۷ و ایجاد دولت - ملت، مهم ترین کار ویژه ها و وظایف دولت-ملت ها، حق و توان کنترل بر سرزمین خود و حق وضع و اجرای قانون

بود. با رشد و توسعه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و وارد شدن پدیده‌هایی نظیر کامپیوتر، میکروالکترونیک، مودم و... و ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای و مجازی که سرعت، حضور همه‌جایی، شبکه‌ای شدن اطلاعات، انعطاف‌پذیری، بی‌زمانی و بی‌مکانی و... از مهم‌ترین ویژگی‌های آن بود، شاهد تغییر و تحول در وظایف و کار ویژه‌های دولت ملت‌ها هستیم. فن‌آوری‌های جدید، فن‌آوری‌های الکترونیک جدید همچون شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای، تلفن‌نمابر و دیگر وسایل ارتباطی مشابه را شامل می‌شود که هر گونه مانع و محدودیت طبیعی و سیاسی را از بین برده، موجب می‌شود تا افکار و اطلاعات بدون هیچ کنترل و مزاحمت سیاسی از مرزهای ملی عبور کنند. بنابراین در چنین شرایطی تسلط دولت‌ها در کنترل خواست و اراده شهروندان کاهش می‌یابد.

با تکنولوژی‌های جدید شاهد ظهور بازیگرانی جدید در کنار دولت-ملت‌ها هستیم (نک به: ابو، پیشین: ۳۰۶-۸۸-۸۷) که هویتی شفاف و تعیین شده ندارند و ماهیت هر یک از بازیگران در زمان و متناسب با رخداد متفاوت است و نوعی شناوری در آنها وجود دارد. جهانی شدن متأثر از گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات مناسبات و مطالبات افراد و گروه‌بندی‌های انسانی را در قالب سنتی دچار دگرگونی ساخت و برای بازیگران دولتی، غیردولتی، گروه‌ها و... فرصت‌ها و تهدیداتی را ایجاد کرده است. با تحولاتی که در عرصه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی رخ داد دیگر دولت‌ها قادر به حل و رفع همه معضلات نیستند. این به معنی کم‌اهمیت شدن نقش دولت-ملت‌ها نیست بلکه نهادها و بازیگران غیردولتی بهتر از عهده رفع برخی از مشکلات بر می‌آیند. به عبارت دیگر در عصر وابستگی متقابل و پیچیدگی ناشی از تحولات شگرف در حوزه فنی و تکنولوژیک، حضور و ظهور بازیگران جدید در کنار دولت لازم و ضروری است. برخی با رد زوال و یا تضعیف دولت‌های ملی در عصر جهانی شدن معتقداند که دولت‌ها در حال پیدا کردن کارویژه‌هایی جدید هستند و تنها کارویژه‌های پیشین آنها تضعیف شده است و حتی به عنوان یک نهاد از جهاتی دیگر در حال تقویت هستند. به نظر وی کارکرد میانجی‌گری دولت‌های ملی در عصر جهانی شدن گسترش یافته و دولت به عنوان واحدی واسط بین فرایندهای جهانی شدن و محیط ملی کارویژه‌ای جدید پیدا کرده است (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۱).

ب. تأثیرات تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر ماهیت حکومت‌ها

جامعه اطلاعاتی و مجازی با فضای سبیرنتیک، اینترنت، رسانه‌های جمعی و... آیا تقویت‌کننده دولت‌های اقتدارگراست یا این دولت‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد؟ آیا تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی عامل گسترش و تقویت میزان دموکراسی در ساختار

نظام‌های سیاسی هستند یا به منزله چالشی جدی در روند دموکراتیزاسیون ساختارهای سیاسی محسوب می‌شوند؟ آیا می‌توان همصدا با کلارک و دوفیلد گفت: جهانی شدن و ابزارهای اساسی آن، منبع مهم دموکراتیزاسیون است؛ جهانی شدن دموکراتیزاسیون را به دلیل ماهیتش استحکام می‌بخشد و امید به حاکمیت دموکراسی و منزوی شدن دولت‌های غیر دموکراتیک بسیار زیاد است (see: Clark: 150-160; Duffield, 2001: 8-9)؟

برای دسته بندی حکومت‌ها بر حسب میزان دسترسی به اطلاعات، حکومت‌ها را می‌توان به دموکراتیک و اقتدارگرا تقسیم کرد. در نظام های دموکراتیک تمرکززدایی اطلاعات و دسترسی آزادانه و سراسری شهروندان به اطلاعات هم زمینه های سانسور را کاهش می‌دهد و هم از کنترل یک‌جانبه دولت بر شهروندان می‌کاهد. «ایترنت به مثابه دموکراسی مردمی، قدرت‌یابی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بریتانیا و اروپا را باز تعریف کرده است. ... اینترنت شهروندان را قادر خواهد ساخت که به شکل الکترونیکی در انتخابات، رفراندوم و مراجعه به آرای عمومی رای دهند. در ضمن، نظرسنجی را نیز آسان می‌سازد. فن آوری ارتباطات، تعامل میان شهروندان و حکومت و میان نامزدهای سیاسی و رای دهندگان را به شکل عمومی تر تقویت خواهد کرد. این تحولات، پیامدهایی مهم و مستقیم برای دموکراسی در بر خواهد داشت» (ابو، پیشین: ۲۱۵-۲۱۴). کاستلز نیز در این خصوص می‌نویسد: «شهروندان می‌توانند منظومه‌های ایدئولوژیک و سیاسی مختص به خود را تشکیل دهند» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۸).

در مقابل در نظام‌های اقتدارگرا تمرکز اطلاعات در دست حکمرانان و عده‌ای خاص است. بنابراین در چنین شرایطی آنان هم توانایی سانسور و هم کنترل بر شهروندان را دارند. «دوام رژیم‌های اقتدارگرا تا حدودی در گرو کنترل دیده‌ها و شنیده‌های شهروندان است. این کنترل اکنون در حال فروپاشی است و از دیدگاه ناظران بدتر از این هم خواهد شد. علاوه بر نفوذپذیرتر شدن روزافزون مرزها در برابر برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، بررسی‌های «مرکز پژوهش‌های سیاست اطلاعاتی» وابسته به دانشگاه هاروارد آشکار ساخته است که شهروندان جوامع بسته از جهت دست یافتن به نوارهای ویدئویی دشواری چندان ندارند و شمار دستگاه‌های ویدئویی در این جوامع هر روز در حال افزایش است. نگرانی این رژیم‌ها آن است که این دستگاه‌ها از سوی گروه‌های مخالف سیاسی برای تکثیر نوار به کار رود. ... از سوی دیگر، فراهم آوردن امکان استفاده از ابررایانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی برای تعداد زیادی از زنان و مردان، آشکارا موجب سست شدن کنترل دولت بر اطلاعات می‌شود و این امر با گذشت زمان پیچیده تر خواهد شد» (طیب، ۱۳۷۹: ۱۸۸-۱۸۷).

بنابراین با گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی دولت‌ها با توقیف روزنامه‌های گروه‌های مخالف خود قادر به مهار و کنترل آنها نخواهند بود؛ زیرا با تحولات یاد شده از

طریق اینترنت و نشریات الکترونیک گروه‌های مخالف افکار و نوشته‌های خود را می‌توانند در اختیار مردم قرار دهند.

تأثیر مثبت یا منفی حوزه فنی و تکنولوژیک جهانی شدن بر دموکراسی با توجه به شرایط و موقعیت‌ها متفاوت است؛ ولی در مجموع توسعه ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات با امکاناتی چون اینترنت، فضای سبیرنتیک، شبکه‌ای و مجازی و ... زمینه افزایش آگاهی عمومی، رشد جنبش‌های دموکراتیک، رشد فضای همگانی گفتگو و ایجاد اجتماعات انجمن‌های مجازی، آسان و سریع بیشتر زمینه‌ساز و تقویت‌کننده حکومت‌های دموکراتیک است. «در این فرهنگ [فناورانه] کسانی حضور دارند که از امکانات استفاده از فناوری‌های مجازی نوین برای تقویت دموکراسی آگاه هستند و برنامه‌هایی را برای تکامل مجمع الکترونیک مطرح می‌کنند... فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با غنی‌سازی حیات فرهنگی، روابط اجتماعی را احیا خواهند کرد؛ ارتباطات را بهبود خواهند بخشید و در مجموع فرایند دموکراتیک و مشارکت اجتماعی را تقویت خواهند کرد» (کوبین و ویسترا، ۱۳۸۴: ۱۵ و ۲۵؛ نک به: آلبرتس و پاپ، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

علاوه بر این، همان طوری که اشاره شد شفافیت و علنیت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی است؛ بنابراین، ابزارهای جامعه اطلاعاتی بر دولت‌ها و فرمانروایان برای شفافیت و مسئولیت‌پذیری فشار وارد می‌کنند (نک به: محسنی، پیشین: ۱۴۷-۱۴۵). در چنین شرایطی حوزه فنی و تکنولوژیک جهانی شدن تهدیدی جدی برای دولت‌های اقتدارگرا است.

در مجموع با توجه به ویژگی‌های تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، از یک سو شاهد رشد و گسترش نظام‌های دموکراتیک هستیم و از سوی دیگر، دموکراسی در عصر فناورانه نیازمند بازسازی است. تکنولوژی‌های جدید شکل مشارکت، رقابت، بسیج و... را تغییر داده‌اند. بنابراین در چنین شرایطی بازسازی و بازآفرینی دموکراسی هماهنگ با عصر مجازی و سایر ضروری است (نک به: کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۲۰-۴۱۷).

پ. تأثیرات تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر مفاهیم امنیت و قدرت

امنیت در بعد داخلی در نظام وستفالی به شکل ابتدایی و بیشتر وابسته به امپراطوران و پادشاهان بود. امنیت وابسته به خانواده‌ای بود که در راس قدرت بود. در این دوره، شهروند معنا و مفهومی نداشت. همزمان با شکل‌گیری نظم وستفالی و ظهور و توسعه دولت‌های مدرن مردم از یک موضوع حکومت شونده به یک شهروند تغییر یافتند. با انتقال حاکمیت از حکمرانان به مردم، حاکمیت به عنوان ویژگی اصلی دولت درآمد. در چنین شرایطی امنیت به حوزه‌ای اطلاق می‌شد که دولت‌ها همدیگر را تهدید می‌کردند؛ دولت‌ها حاکمیت همدیگر را به چالش می‌طلبند؛ امیال خود را بر دیگران تحمیل می‌کنند و از استقلال خود دفاع می‌کنند.

کنند. بنابراین با شکل گیری دولت- ملت ها، سرزمین به عنوان فضایی امنیتی برای رفتار دولت‌ها عمل می‌کرد. اما ظهور انترناسیونال اول و دوم و سپس در دوران جنگ سرد گفتمانی دیگر در کنار گفتمان دولت - ملت ها و در تعارض با آن در حال شکل گیری بود. به نوعی می‌توان گفت دوران جنگ سرد، دوره گذرا از پارادایم دولت ملت ها و چهره سنتی امنیت، به پارادایم جهانی شدن و شکل گیری مفهوم جدید از امنیت است (قوام، ۱۳۸۲: ۲۰۷-۱۹۶).

ویژگیهای فن آوری اطلاعات و ارتباطات، مفهوم سنتی و کلاسیک امنیت را با چالش مواجه ساخت و باز تعریف از مفهوم امنیت را ضروری کرد. امنیت به مفهوم سنتی نگاه ملی داشت و بر توانایی های نظامی دولت ها تاکید داشت (برترن، ۱۳۸۰: ۵۹). جهانی شدن جابجایی اطلاعات را بسیار آسان کرد. مرزهای دولتی و دیگر خطوط بین بازیگران غیردولتی، کنشگران قومی، ملی و فراملی را نفوذپذیر و مبهم کرد. فراگیری اطلاعات باعث رشد جوامع اطلاعاتی می‌گردد و این آسیب پذیری ملی را به همراه خواهد داشت. بنابراین در این شرایط است که مفهوم نرم افزاری امنیت طرح می‌گردد (همان: ۶۱).

ظهور جوامع مجازی و شبکه ای سبب شد تا مرزهای سنتی تحت عنوان سیاست داخلی و سیاست بین المللی برداشته شوند و این ارتباطات میان بخش های مختلف نظام بین الملل را سهل تر کرد. بنابراین، ظهور این تحولات شگراف تهدیدات و فرصت هایی را برای کشورها و بازیگران محلی، ملی و فراملی فراهم آورد و متعاقب آن تحول و بازسازی مفهوم امنیت را نیز ضروری کرد.

تاثیرات اینترنت بر امنیت ملی را به صورت زیر می‌توان فهرست کرد:

۱. اینترنت به انتشار اطلاعات کمک می‌کند؛ ۲. اینترنت به انتشار اطلاعات گمراه کننده کمک می‌کند؛ ۳. اینترنت به انتشار اطلاعات رمز گذاری شده کمک می‌کند؛ ۴. اینترنت فرصت هایی برای خرابکاری سیستم‌های رایانه‌ای و دیگر زیر ساخت ها فراهم می‌کند؛ ۵. اینترنت وابستگی همگانی به شبکه‌ای یکپارچه به وجود می‌آورد و ممکن است در تضعیف حاکمیت ملی سهیم باشد (آلبرتس و پاپ، ۱۳۸۵: ۱۶۹-۱۶۷).

در مجموع، عوامل موثر بر امنیت ملی را می‌توان به عوامل محسوس مانند ثروت، جغرافیا، نیروی نظامی، زیر ساخت حمل و نقل، سیستم های ائتلاف، اتحاد و غیره و عوامل نامحسوس و ذهنی نظیر راهبرد ملی، توانمندی های سازمانی، دانش علمی- فنی، تهدید رؤیت شده، توانمندی های رهبری و اراده و روحیه ملی و ... تقسیم کرد. در عصر اطلاعات با ویژگیهایی که تکنولوژی های جدید به همراه می‌آورند، اهمیت عناصر و عوامل نامحسوس و ذهنی روز به روز در حال افزایش است. بنابراین، شاهد دگرذیسی مفهوم و ماهیت امنیت از یک سو و از سوی دیگر، دگرگونی جغرافیایی این مقوله هستیم: «ماهیت تهدیدها و در نتیجه ماهیت امنیت

تغییر کرده و افزون بر این، جنگ‌ها از سطح میان دولتی به سطح غیردولتی کشیده شده است. افزون بر تهدید سنتی که عمدتاً ماهیتی نظامی داشت، تهدیدهای اقتصادی، زیست‌محیطی- منابع و سیاسی-فرهنگی گسترش یافته است» (راجرز، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۱).

با فناوری‌های جدید تهدیدات از بعد جهانی به داخلی منتقل می‌شود و این زمینه را برای تحول در مفهوم قدرت فراهم ساخت. در سیستم دولت- ملت و ستفالی قدرت از بالا به پایین بود و دارندگان قدرت آن را بیشتر در شکل خشونت و اعمال زور و سلطه بر شهروندان اعمال می‌کردند. در این شکل از قدرت حکمرانان سیاسی کشور قدرت را اساساً در قالب سخت افزاری در نظر می‌گرفتند و آن را هم در ارتباط با شهروندان داخلی و هم در ارتباط با قدرت‌های خارجی به کار می‌بردند در حالی که جهانی شدن، قدرت را از جنبه‌های گوناگون متحول کرد: شکل سخت افزاری قدرت به نرم افزاری تغییر یافت. در اثر تحولات شگرف اطلاعاتی و ارتباطاتی مفهوم داخل و خارج کمرنگ شد؛ بنابراین، ماهیت قدرت نیز دگرگون شد. با جهانی شدن انتقال قدرت از ید انحصاری حاکمان ملی خارج گشت و در اختیار طیفی از افراد، گروه‌ها و بازیگران غیر دولتی قرار گرفت. در جامعه مجازی و شبکه‌ای منابع اطلاع رسانی متنوع و متعدد به صورتی مستقل و آزادانه در اختیار شهروندان قرار گرفت و این موجب ارتباط انسان‌ها به صورت فرامرزی شد و به دنبال آن شکل‌گیری مبنای جدیدی از هویت را شاهدیم.

تحولات فوق به تحول مفهوم امنیت و قدرت نیز منجر شد: «با جهانی شدن چارچوب قدرت سیاسی در حال تحول بوده و بنا به تفسیر استوارت آر. کلگ، تحولی گفتمانی را می‌آزماید که در آن ارتباطات از اولویت نخست در فهم و کاربرد قدرت برخوردار است» (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۶).

۷. موقعیت ایران

در ایران توجه به فرایند جهانی شدن و فشارهای آن در دوران هاشمی رفسنجانی و بویژه از دهه ۱۳۷۰ آغاز شد. از اواخر دهه ۱۳۶۰ گرایش تئوریک و تا حدی عملی به فرایند جهانی شدن آغاز شد. در این دوره سعی شد تا منافع ملی براساس فرایند جهانی شدن بازتعریف شود. پس از دوم خرداد گام مهم و جدی در جهت تطبیق و هماهنگی با فرایند جهانی شدن برداشته شد (بشیری، ۱۳۸۰: ۷۱-۷۰).

ایران در زمینه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی همزمان با فرایند جهانی شدن و فشارهای آن، پیشرفت‌هایی داشته است. این پیشرفت‌ها در سال‌های پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شتاب بیشتر گرفت. فعالیت شبکه‌های الکترونیک از سال ۱۳۶۶ و

مرحله اصلی گسترش آن از سال ۱۳۷۱ آغاز شد. در سال ۱۳۷۴ شهرداری تهران موسسه ندا رایانه را تاسیس کرد. این موسسه با شبکه جهانی اینترنت و نیز بانک های اطلاعاتی داخلی در ارتباط بود. در سال ۱۳۷۹ تعداد شبکه های اطلاع رسانی به ۴۱ واحد رسید (محسنی، پیشین: ۱۹۴-۱۹۲). در زمینه رسانه های صوتی و تصویری اعم از رادیو، تلویزیون و شبکه های مختلف ماهواره ای رشد قابل توجه در فرستنده ها و گیرنده های رادیو و تلویزیون را شاهد بوده ایم. در کنار رسانه های داخلی، انواع رسانه های جمعی که از طریق فرستنده های خارج از کشور به تولید و پخش برنامه مشغولند، طی سال های اخیر به سرعت رشد یافته اند. در زمینه خطوط تلفن ثابت و همراه، وسایل جدید ارتباطی همچون نمابر و ... نیز شاهد افزایش روز افزون این موارد هستیم. در بخش رسانه های ارتباطی جدید نظیر رایانه ها، ابزارهای دیجیتال و شبکه اینترنت با توجه به شاخص جامعه اطلاعاتی کشورهای جهان را به پنج گروه به صورت زیر تقسیم کرده اند: پیش رونندگان، تیز رونندگان، دوندگان پر سرعت، تفریح کنان و در نهایت گروه پنجم تازه واردان.

ایران جزو گروه تازه واردان قرار می گیرد؛ یعنی هنوز از زیرساخت های لازم برای بهره برداری از عصر دیجیتال برخوردار نشده است؛ لیکن تحت تاثیر جهانی شدن در این عرصه پا نهاده و به تدریج در حال پیشرفت است. در باره تعداد کاربران اینترنت در ایران آمار دقیق موجود نیست. اما گفته می شود شمار کاربران اینترنت در ایران در سال ۱۹۹۴ کمتر از ۲۵۰ هزار نفر بوده است و در سال ۲۰۰۴ بیش از ۲/۵ میلیون ایرانی به صورت دائم و ۳/۵ میلیون به صورت غیر دائم کاربر اینترنت هستند^۱ (شهرام نیا، ۱۳۸۵: ۳۸۹-۳۸۸).

بنابراین، تکنولوژی های جدید راه را برای رسیدن خدمات اطلاع رسانی سریع به همه مناطق جهان هموار ساخته است. با سراسری و سیبرنتیک شدن جوامع شاهد پایان جغرافیا، تسخیر زمان و تاریخ و ... هستیم. این تحولات موجب رشد آگاهی های افراد و تقویت اراده سیاسی آنان و کاهش تسلط دولت ها شده است. تکنولوژی های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی موجب گردش آزاد اطلاعات، ایجاد فضاهای جدید برای افراد جوامع مختلف و افزایش تحرک اجتماعی تاثیر فرهنگ ها و ارزش های سایر جوامع شده است به نحوی که افکار و اطلاعات بدون هیچ مزاحمت سیاسی از مرزهای ملی عبور می کند.

۱. براساس آمار فوریه ۲۰۰۵ آمار کاربران اینترنت در خاورمیانه نزدیک به ۱۷/۵ میلیون اعلام شد که ایران با ۴/۸ میلیون، رتبه اول در (www.Internet Wordstates.com/2005) در خاورمیانه را به خود اختصاص داد.

چالش‌ها و فرصت‌هایی که ماهیت و ویژگی ابزارهای نوین ارتباطی به همراه می‌آورد در کنار نابرابری گسترش این ابزارها، در بین جوامع و سازمان‌ها تهدیدها و فرصت‌هایی را برای کشورها، بازیگران غیرحکومتی و کنشگران محلی و فراملی به همراه داشته است. با فرآیند جهانی شدن اولاً، سرعت اطلاعات به گونه‌ی قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. افزایش سرعت گردش اطلاعات شتاب تعاملات داخل و خارج را افزایش می‌دهد؛ ثانیاً، انعطاف‌پذیری گردش اطلاعات افزایش می‌یابد؛ فناوری‌های عصر اطلاعات وابستگی مکانی اطلاعات را کاهش خواهد داد و این به کنشگران محلی، ملی و فراملی این امکان را می‌دهد که اطلاعات مورد نیاز خویش را از منابع گوناگون تأمین کنند؛ ثالثاً، فناوری‌های عصر اطلاعات باعث می‌شود تا تعداد بیشتری از افراد به اطلاعات، افراد و سازمان‌ها دسترسی داشته باشند.

عصر اطلاعات علی‌رغم ویژگی‌های فوق، یک ویژگی دیگر هم دارد و آن نابرابری در سهم بری از تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. بعضی از کنشگران بیش از دیگر کنشگران از این تکنولوژی‌ها سود می‌برند و برخی نیز کمتر و حتی گاهی پیامد منفی هم برای برخی از کنشگران خواهد داشت. بنابراین در چنین وضعیتی این کنشگران هستند که با اقدامات خود می‌توانند مسیر و جهت توسعه یا عدم توسعه خود را فراهم نمایند.

شکل‌گیری و گسترش ابزارهای نوین ارتباطی همچون رادیو، تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و فضای سبیرنتیک باعث افزایش آگاهی شهروندان ایرانی و ارتباط آنان با بیرون از مرزها می‌شود و از کنترل دولت بر شهروندان می‌کاهد. بنابراین با تحولات حوزه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی همانطور که دولت - ملت به معنای وستفالی با چالش مواجه می‌شود. در ایران نیز از اقتدار دولت کاسته می‌شود و علاوه بر نیروهای داخلی، کنشگران بین‌المللی نیز به نوعی دولت ایران را با چالش مواجه می‌سازند. فناوری‌های جدید با ویژگی‌هایی چون سرعت، انعطاف‌پذیری، بی‌مکانی و... از یک سو باعث تغییر در حاکمیت و خودمختاری دولت مرکزی ایران می‌شوند و از سوی دیگر، زمینه را برای تقویت احساس هویت فرهنگی و قومی، صنفی و سیاسی اقوام و اقلیت‌های فرهنگی، احزاب گروه‌های و جمعیت‌ها فراهم می‌کنند. در زمینه ماهیت حکومت‌ها، تکنولوژی‌های جدید از یک سو بر دولت‌های اقتدارگرا برای شفافیت و مسئولیت‌پذیری فشار وارد می‌سازند و از سوی دیگر، این ابزارها در ایجاد شیوه‌های گفتگوی همگانی و افزایش مشارکت غیرنخبگان در سیاست موثر است و در ایران نیز تحولات در عرصه اطلاعات و ارتباطات نقشی مهم در افزایش آگاهی سیاسی مردم و تا حدودی تبدیل فرهنگ سیاسی تبعی به مشارکتی داشته است. برخی

در کنار زمینه های اجتماعی، سیاسی و فکری، جهانی شدن و تحولات و فشارهای ناشی از آن در وقوع دوم خرداد موثر می‌دانند (بشیری، ۱۳۸۱: ۱۷۵-۱۳۰).

دموکراسی امروز بدون ارتباطات، رادیو و تلویزیون، رسانه‌های همگانی، ماهواره و اینترنت امکان ندارد و در ایران با گسترش این ابزارها، ضمن کاهش کنترل دولت بر شهروندان، افزایش آگاهی سیاسی مردم را نیز شاهدیم. این عوامل نیل ایران به سوی دموکراسی را ضروری ساخته‌اند. در زمینه تحول در مفاهیم امنیت و قدرت اشاره شد که با تحولات ناشی از تکنولوژی‌های جدید، شاهد تحول مفاهیم امنیت و قدرت به سمت نرم افزاری شدن از یک سو از سوی دیگر مفاهیم سنتی امنیت و قدرت جای خود را به مفاهیم جدید داده است: امنیت و قدرت در مفهوم سنتی عمدتاً ملی و در چارچوب سرزمین یک دولت-ملت تعریف می‌شدند اما با جهانی شدن از برون و درون بر دولت فشار وارد می‌شود تا محیط امنیتی ایجاد شده بوسیله دولت را تغییر دهند. گروه‌های فراملی به مدد تکنولوژی‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی بیش از هر زمانی قدرت دارند.

تکنولوژی‌های جدید به صورت ارزان و سریع به منتقدان و مخالفان جمهوری اسلامی ایران امکان انتقاد، مخالفت، شایعه‌پراکنی و تفرقه‌افکنی را می‌دهد. گروه‌های مخالف تا برانداز نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق اینترنت و ماهواره دست به انتشار دیدگاه‌های خود می‌زنند و این می‌تواند تهدیداتی را برای نظام به ویژه در شرایط بحرانی فراهم آورد. درخصوص تاثیر اینترنت، شعار چریک‌های زاپاتیست مکزیک به خوبی این تاثیرگذاری را نشان می‌دهد: «قدرت نت از شمشیر بیشتر است» (اسلامی، ۱۳۸۱: ۸۴). برای جلوگیری از تاثیرات منفی تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی تقویت قدرت نرم ضروری است: «ایران برای جلوگیری از بهره‌برداری جهانگرایانه غرب از فرایند جهانی شدن و با هدف حفظ هویت فرهنگی و ارزشی خود شایسته است به توسعه ارتباطات به عنوان یک واقعیت اهتمام کند. از قدرت نرم افزاری اطلاعات و ارتباطات برای پیشبرد اهداف ارزشی خود حداکثر بهره‌برداری را نماید، چالش‌ها و موانع سیطره فرهنگ استکباری را تقویت کند» (دهشیری، ۱۳۷۹: ۹۵).

در این صورت است که فناوری‌های جدید می‌تواند به عنوان عامل وحدت بخش، آگاهی دهنده و بسیج کننده برای نظام تبدیل شوند.

انقلاب ارتباطات ضمن آنکه با قدرت دادن به نیروهای مرکز گریز، شهروندان ایرانی و مخالفان خارجی و بین‌المللی تا حدودی حاکمیت ملی ایران را با چالش مواجه ساخته است، به طور بالقوه به دولت نیز فرصت و قدرت داده است. استفاده و بالفعل کردن این نیروی بالقوه و فرصت طلایی بستگی به هوشمندی نخبگان و تصمیم گیران و درک درست آنها از روند جهانی شدن دارد. با توجه به گریزناپذیر بودن فرایند جهانی شدن و ظهور و گسترش

تکنولوژی‌های جدید می‌توان همصدا با نویسنده و مترجم کتاب «ملیت در جهان بی‌هویت»، گفت که در برابر موج سوم (جهانی شدن فناوری) نه تسلیم محض و نه مقابله منفی و انزوا هیچ کدام کارساز نیست باید جنبه‌های سلبی و ایجابی آن را شناخت و تحلیل کرد و آگاهانه و فعالانه و با آمادگی و پویایی کامل با آن مواجه شد (بهاء‌الدین، ۱۳۸۳: ۴).

نتیجه

پژوهش حاضر برای بررسی و ارزیابی این سوال شکل گرفت که «تکنولوژی‌های جدید چه تاثیری بر مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی کشورها دارد؟» در پاسخ به سوال فوق سه دیدگاه درباره رابطه فن‌آوری‌های جدید با حاکمیت ملی مطرح شد. در پاسخ به سوال محوری این نوشتار و با استفاده از دیدگاه سوم، فرضیه پژوهش طرح شد. برای ارزیابی این فرضیه ابتدا با تعریف جهانی شدن و ارائه نظریه‌های مهم درباره جهانی شدن، حوزه فنی و تکنولوژیک و چارچوب نظری بررسی شد؛ سپس اشاره‌ای به ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی شد. پس از تشریح سیر تحول مفهوم حاکمیت ملی، مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی ذکر شد و در نهایت در راستای محک فرضیه این مکتوب گفته شد: با فرایند جهانی شدن و گسترش تکنولوژی‌های جدید و کم رنگ شدن مفهوم مرزها از یک سو، کاهش کنترل دولت بر شهروندان و از سوی دیگر، افزایش قدرت شهروندان را شاهدیم و این حاکمیت دولت - ملت‌ها را با چالش مواجه کرد. اما اشاره شد که این به معنای پایان قدرت دولت - ملت‌ها نبود چرا که تحولات یادشده ابزارهایی را هم در اختیار دولت-ملت‌ها برای تحکیم حاکمیت خویش قرار داد. ابزارهای جدید جهانی شدن، ضمن فشار بر دولت‌های اقتدارگرا برای شفاف بودن و مسوولیت‌پذیری، دسترسی بیشتر شهروندان بر اطلاعات را فراهم آورد و این تحول، افزایش آگاهی سیاسی شهروندان و مشارکت فعالانه‌ی آنها را در امور خود و تاثیرگذاری بیشتر آنها بر دولت‌ها را موجب شد. فن‌آوری‌های جدید ماهیت سنتی و کلاسیک امنیت و قدرت را با چالش مواجه ساخت و توجه به جنبه‌های نرم افزاری امنیت و قدرت را برای بازیگران و کنشگران محلی، ملی و بین‌المللی ضروری کرد.

جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از کنشگران، تحت تاثیر و فشار فرایند جهانی شدن با چالش‌های یاد شده مواجه شده است. فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی از یک سو تهدیداتی را برای دولت، سیستم حکومتی و امنیت نظام به همراه داشت. از سوی دیگر فرصت‌هایی برای وحدت، آگاهی‌بخشی، بسیج توده‌ها، گروه‌ها و... نیز فراهم ساخته است. بسته به میزان هوشمندی نخبگان سیاسی ایران و درک و شناخت آنها از فرایند مزبور و عمل آگاهانه و فعالانه می‌توان از این فرصت‌ها استفاده کرد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. آلبرتس، دیوید ایستون و دانیل س. پاپ (۱۳۸۵)، گزیده ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات، ترجمه علی علی آبادی و رضا نخجوانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. ابو، بوسا (۱۳۸۵)، امپریالیسم سایبر: روابط جهانی در عصر جدید الکترونیک، ترجمه پرویز علوی، تهران: تانیه.
۳. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
۴. اسلامی، محسن (۱۳۸۱)، «تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۱۶، شماره ۷ و ۸، شماره پیاپی ۱۷۶-۱۷۵.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، «امنیت در حال گذار»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره چهارم.
۶. (۱۳۸۰) «نامنی جهانی؛ چهره دوم جهانی شدن»، در کتاب اندرو هول و دیگران، نامنی جهانی؛ بررسی چهره دوم جهانی شدن، ترجمه و اهتمام اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. بانک جهانی (۱۳۷۸)، نقش دولت در جهان در حال تحول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۸. برترتن، شارلوت (۱۳۸۰)، «در جستجوی پارادایم امنیت بعد از جنگ سرد»، ترجمه مهدی رحمانی، در کتاب اندرو هول و دیگران، نامنی جهانی؛ بررسی چهره دوم جهانی شدن، ترجمه و اهتمام اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، «جایگاه منافع ملی در سیاست گذاری داخلی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۱ و ۱۲.
۱۰. (۱۳۸۱)، دیپاچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره ی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نگاه معاصر.
۱۱. بهاءالدین، حسین کامل (۱۳۸۳)، ملیت در جهان بی هویت (چالش های جهانی شدن)، ترجمه حجت رسولی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۰)، «فرایند جهانی شدن و فراگشت جامعه ایرانی»، مطالعات راهبردی، سال ۴، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۳.
۱۳. (۱۳۷۹)، «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت ها و چالش ها»، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره چهارم.
۱۴. تافلر، آلوی (۱۳۷۱)، جابجایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم، شهیندخت خوارزمی، ج ۳، تهران: مترجم.
۱۵. توحیدفام، محمد (۱۳۸۰)، «طرحهای تمدنی در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره دهم.
۱۶. (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش ها و فرصت ها، تهران: روزنه.
۱۷. (۱۳۸۱)، دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن، تهران: روزنه.
۱۸. تهرانیان، مجید و دیگران (۱۳۸۰)، ارتباطات بین المللی و فرایند جهانی شدن: مشکلات ناشی از ظهور پارادایم تازه جهانی شدن: چالش ها و ناامنی ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. خور، مارتین (۱۳۸۳)، جهانی شدن و جنوب (برخی مباحث انتقادی)، ترجمه احمد ساعی، تهران: قومس.
۲۰. درویشی، فرهاد (۱۳۸۵)، «آینده دولت-ملت ها زوال، تداوم یا تحول»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۲ و ۱.
۲۱. دهشیری، محمد رضا (۱۳۷۹)، «جهانی شدن و هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۲، شماره ۵.
۲۲. رابرتسون، رولند (۱۳۸۰)، جهانی بودن، پانزده گفتگو با اندیشمندان جهان امروز، تهران: مرکز.
۲۳. راجرز، پل (۱۳۸۴)، زوال کنترل: امنیت جهانی در قرن بیست و یکم، ترجمه امیرمحمد یوسفی، مؤسسه جلیلی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۹)، پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: آگاه.
۲۵. سردارآبادی، خلیل الله (۱۳۸۰)، «تاثیر تغییرات ساختاری و جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۰.
۲۶. سلیمی، حسین (۱۳۸۰)، «جهانی شدن؛ مصداق ها و برداشت ها»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۳، شماره ۱۰.

تأثیر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی با بررسی موقعیت ایران ۲۰۷

۲۷. سیمبر، رضا (۱۳۷۷)، «حقوق بشر میراث مشترک جهانی درآستانه سده‌ی بیستم و یکم»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۳۴-۱۳۳.
۲۸. شهرام نیا، امیر مسعود (۱۳۸۵)، *جهانی شدن و دموکراسی در ایران*، تهران: نگاه معاصر.
۲۹. صدوقی، مراد علی (۱۳۸۰)، *تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی*، تهران: وزارت امور خارجه.
۳۰. طیب، علیرضا [گردآورنده و مترجم] (۱۳۷۹)، *تکنولوژی اطلاعات*، تهران: سفیر.
۳۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، *جهانی شدن و جهان سوم: روندهای جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل*، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۲. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰ الف)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)*، ج ۱، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
۳۳. (۱۳۸۰ ب)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)*، ج ۲، ترجمه حسین چاوشیان، تهران: طرح نو.
۳۴. (۱۳۸۰ پ)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (پایان هزاره)*، ج ۳، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
۳۵. کاکو، میچیو (۱۳۸۱)، *چشم اندازها: انقلاب‌های علم در قرن بیست و یکم*، ترجمه یوسف اردبیلی، تهران: ققنوس.
۳۶. کوین، رابینز و فرانک و بستر (۱۳۸۴)، *عصر فرهنگ فناوریانه: از جامعه اطلاعاتی تا زندگی مجازی*، ترجمه مهدی داودی، تهران: توسعه.
۳۷. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱ الف)، *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، تهران: نی.
۳۸. (۱۳۸۱ ب)، «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۳، شماره ۱۱.
۳۹. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی اطلاعاتی*، تهران: دیدار.
۴۰. مولایی، آیت (۱۳۷۹)، «حقوق بشر و حاکمیت ملی»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۵۶-۱۵۵.
۴۱. ویلکن، پیتر (۱۳۸۱)، *اقتصاد سیاسی، ارتباطات جهانی و امنیت انسانی*، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۲. وینسنت، اندرو (۱۳۷۱)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.

ب. خارجی:

1. Clark, Ian, (1999) **Globalization and International Relations Theory**, New York: Oxford University Press.
2. Duffield, Mark, (2001) **Global Governance and the New Wars**, London.
3. Drucker, Peter, F, (2003) "The Global Economy and Nation-State", **Foreign Affairs**, Volume 79 no.5.
4. **Encyclopedia of Public International Law**, (1990) Vols: 1-12, Netherlands: Elsevire Science Publishers.
5. Gilpin, Ronald, (2000) **The Challenge of Global Capitalism**, Princeton: Princeton University Press.
6. Goodwin, Drufurd, D, (1999) **Economics and National Security**, London.
7. Held, David et al, (1999) **Global Transformations**, Cambridge: Polity Press.
8. Holsti, K.J., (2002) **The Institutions of International Politics**, USA: Louisiana.
9. Holton, Robert, (1998) **Globalization and the Nation-State**, London: McMillan.
10. Houston, Douglas, (2001) **The Internet, Globalization and Culture**, School of Business, University of Kansas.
11. Rosenau, James, (1990) "Turbulences in World Politics: A Theory of Change and Continuity", London.
12. Waters, Malcolm, (2001) **Globalization**, London: Rutledge.
13. Williams, John, (2002) **Newspaces, New Places: Solidarism, Pluralism and Territoriality**, USA: Louisiana.